

## (فصل سی ام)

### متصور شده برای خدمت خدا

"دستهایت مرا جمیعاً و تماماً" سرشته است، و مرا آفریده است. (ایوب ۱۰: ۸)  
"این قوم را برای خود ایجاد کردم تا تسبیح مرا بخوانند." (اشعیا ۴۳: ۲۱)

شما برای خدمت خدا ساخته شده اید.

خدا به هر مخلوق خود که بر روی این سیاره قرار داده، مهارت و تخصص خاصی بخشیده است. بعضی از حیوانات می دوند، بعضی جست و خیز می کنند، بعضی شنا می کنند، بعضی در سوراخهای زیر زمین زندگی می کنند و بعضی پرواز می کنند. هر کدام از آنها، بر اساس روشی که بوسیله خدا شکل گرفته اند، نقش بخصوصی را ایفاء می کنند. در مورد انسانها نیز همین قانون صدق می کند. هر کدام از ما به طرز بی نظیری طراحی شده ایم، یا "ساخته شده ایم" تا کارهای بخصوصی را انجام دهیم.

قبل از آنکه هر معماری طرح ساختمان جدیدی را بریزد، از خود می پرسد: "هدف آن چه خواهد بود؟ از آن چگونه استفاده خواهد شد؟" کارکرد هر ساختمانی، تعیین کننده شکل آن خواهد بود. قبل از آنکه خدا شما را بیافریند، او در مورد اینکه بر روی زمین می خواهد چه نقشی داشته باشید، تصمیم گرفت. او، اول دقیقاً نقشه کشید که از شما چه خدمتی می خواهد، و برای آن وظایف شما را ساخت. شما آنطوری باید باشید که هستید، چون برای خدمت خاصی ساخته شده اید.

کتاب مقدس می فرماید: "زیرا ساخته دست خدا، و در مسیح عیسی آفریده شده ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم." (افسیان ۲: ۱۰) کلمه انگیزی که ما برای شعر بکار می بریم، از کلمه یونانی گرفته شده که بمعنی "ساخته دست" می باشد. شما، هنر صنعت دست خدا هستید. شما ثمره یک خط تولید نیستید، که بدون نقشه و فکری، اتوماتیک وار ساخته می شوند. شما طرح سفارشی و تک و اولین شاهکار هستید. خدا از قصد، شما را طوری ساخته و شکل داده، تا او را به نوعی خدمت کنید، که آن خدمت شما بی نظیر باشد. او ترکیب دی ان ای شما را با دقت خاصی شکل بخشیده، که باعث خلقت شما شده. داود خدا را برای توجه عالی شخصی اش به این جزئیات، می پرسد و می گوید: "تو مرا در رحم مادرم نقش بستی و مرا بوجود آوردی. تو را شکر می کنم که مرا اینچنین شگفت انگیز آفریده ای! با تمام وجود دریافته ام که کارهای تو عظیم و شگفت انگیز است." (مز مور ۱۳۹: ۱۳-۱۴) همانطور که استر و اترز گفته: "خدا آشغال نمی سازد."

خدا نه فقط شما را پیش از تولدتان شکل داده، بلکه برای پشتیبانی از شکل دادن شما، برای هر روز زندگی شما نقشه ای کشیده. داود ادامه می دهد: "حتی پیش از آنکه من بوجود بیایم تو مرا دیده بودی. پیش از آنکه روزهای زندگی من آغاز شود، تو همه آنها را در دفتر خود ثبت کرده بودی." (مز مور ۱۳۹: ۱۶) این به آن معناست، که چیزی در زندگی شما نیست که اتفاق بیافتد و بی اهمیت باشد. خدا از همه آنها استفاده می کند تا شما را برای خدمت به دیگران و خودش شکل بدهد.

خدا هیچ چیزی را تلف نمی کند. اگر او نمی خواست از توانائیها، علاقه ها، استعدادها، عطایا، شخصیت و تجربیات زندگی شما برای جلال خود استفاده کند، آنها را به شما نمی داد. با شناخت و درک این عوامل، می توانید اراده خدا را برای زندگی خود کشف کنید.

کتاب مقدس می فرماید که شما "بطرز عجیبی، پیچیده" هستید. شما ترکیبی از عوامل مختلف بسیاری هستید. برای کمک به اینکه این پنج عامل از عوامل فوق را به یاد بسپارید از حروف اول کلمات این پنج عامل، کلمه ساده ای را بوجود آورده ام: **"عداشت"**. در این فصل و نیز فصل بعدی به این پنج عامل نظری خواهیم افکند و به دنبال آن توضیح خواهیم داد که چگونه فرم و شکل خود را کشف کرده، و از آن استفاده کنید.

### چگونه خدا شما را برای خدمتتان شکل می دهد

خدا همیشه با هر تکلیفی که به ما می دهد، به آنچه برای عملی ساختن آن تکلیف نیاز داریم، مجهز می سازد. این ترکیب سفارشی توانائیها، فرم یا شکل شما خوانده می شود:

عطایای روحانی

دل

استعدادها

شخصیت

تجربه

## عداشت: باز کردن هدایا و عطایای روحانیتان

خدا به هر ایمانداری هدایای روحانی می بخشد تا برای خدمت استفاده شوند. (رومیان ۱۲: ۴-۸؛ اول قرنتیان ۱۲؛ افسسیان ۸: ۴-۱۵؛ اول قرنتیان ۷: ۷) اینها تواناییها و استعدادهای مخصوص خدادادی می باشند که خدا فقط به ایمانداران برای خدمت خود می بخشد. کتاب مقدس می فرماید: "اما شخص بی ایمان قادر نیست افکار و اسرار خدا را که روح القدس به ما می آموزد، درک کند و ببیند." (اول قرنتیان ۱۲: ۳)

شما لیاقت عطایای روحانیتان را ندارید و آنها را با تلاش خود به دست نمی آورید؛ و به این علت آنها، عطایا یا هدایا خوانده می شوند! خدا از طریق آنها فیض و محبت خود را به شما ابراز می کند. "مسیح طبق صلاحیت خود، از دولت کرم خویش به هر یک از ما فیض خاصی بخشیده است" (افسسیان ۷: ۴) در ضمن شما نمی توانید آن عطایی را که خودتان دوست دارید داشته باشید، دریافت کنید؛ بلکه خدا آن را تعیین می کند. پولس شرح می دهد که: "اما تمام این عطایا از جانب یک روح، یعنی همان روح القدس است، و اوست که تصمیم می گیرد به هر کس چه عطایی ببخشد." (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱)

بخاطر اینکه خدا تنوع را دوست دارد و می خواهد که ما اهمیت داشته باشیم، به همه ما، یک عطا یا هدیه داده نمی شود. (اول قرنتیان ۱۲: ۲۹-۳۰) و نیز هیچ فردی همه عطایا را دریافت نمی کند. اگر شما همه عطایا را داشتید، نیازی به کس دیگر در خود نمی دیدید، و این برخلاف یکی از اهداف خدا می بود، که به ما تعلیم داده که نسبت به یکدیگر محبت و وابستگی داشته باشیم.

عطایای روحانی شما برای نفع شخصی به شما داده نشده، بلکه برای نفع دیگران، به همان صورت که دیگر عطایا به افراد دیگر برای سودبخشی و نفع شما داده شده است. کتاب مقدس می فرماید: "در هر فرد، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می کند." (اول قرنتیان ۱۲: ۷ ترجمه انجیل شریف) خدا به این طریق عمل می کند تا ما به یکدیگر احتیاج داشته باشیم. وقتی ما عطایای خود را با یکدیگر استفاده می کنیم، به همه ما نفعی می رسد. اگر دیگران عطایای خود را بکار نبرند، به شما خیانت می شود، و اگر شما از عطایای خود استفاده نکنید، به آنها خیانت می شود. به این علت است که به ما دستور داده شده که عطایای روحانی خود را کشف کنیم و توسعه ببخشیم. آیا شما برای کشف عطایای روحانی خود وقت صرف کرده اید؟ هدیه ای که باز نشده باشد، بی فایده است.

هر بار که این حقایق اساسی را در مورد عطایا فراموش می کنیم، مشکلی در کلیسا بوجود می آید. دو مشکل مشترک عبارتند از: "حسودی نسبت به عطا" و "پرتو افکنی یا نورافکنی عطا". اولی، زمانی اتفاق می افتد که عطای خود را با عطایای دیگران مقایسه می کنیم و بخاطر اینکه خدا از دیگران استفاده می کند، بی میل یا حسود می شویم. دومین مشکل زمانی اتفاق می افتد که از هر کس دیگر انتظار داریم که عطایای ما را داشته باشند و آنچه را که ما دعوت شده ایم انجام دهیم آنها نیز انجام دهند و به همان اندازه که ما برای آن اشتیاق داریم، آنها نیز داشته باشند. کتاب مقدس می فرماید: "خدمات ما گوناگون است، اما تمام این خدمات برای یک خداوند است." (اول قرنتیان ۱۲: ۵ ترجمه انجیل شریف) گاهی اوقات به عطایای روحانی بقدری بیش از حد تأکید می شود که به قیمت غفلت از عوامل دیگری که خدا برای شکل دادن شما برای خدمت استفاده می کند، تمام می شود. عطایای شما یکی از **کلیدها** را برای **کشف** اراده خدا برای خدمتان روشن می سازد، اما نباید فراموش کنید که عطایای روحانی شما کل تصویر نیستند. خدا شما را به چهار طریق دیگر نیز شکل بخشیده:

## عداشت: به ندای قلبتان گوش دهید

وقتی کتاب مقدس از واژه قلب یا دل استفاده می کند، منظورش بقیه ای از تمایلات، امیدها، علاقه ها، آرزوها، رویاها و اشتیاقهای شما می باشد. دل شما نمایاننده منشع همه انگیزه هایتان می باشد، یعنی آنچه دوست دارید انجام دهید و آنچه برای شما خیلی مهم است. حتی امروزه نیز وقتی می گوییم: "با تمام قلبم تو را دوست دارم." این کلمه را به همین منظور استفاده می کنیم.

کتاب مقدس می فرماید: "همانطور که انسان در آب، صورت خود را می بیند، در وجود دیگران نیز وجود خویش را مشاهده می کند." (امثال ۲۷: ۱۹) قلب شما، وجود شما را ظاهر می سازد؛ آنچه شما واقعا هستید و نه آنچه دیگران در مورد شما فکر می کنند که هستید و یا رویدادها شما را مجبور می کنند که باشید. قلب شما تعیین می کند که چرا آنطور که انجام می دهی می گویی، چرا آنطور که انجام می دهی، احساس می کنی، و چرا آنطور که انجام می دهی عمل می کنی. (متی ۱۲: ۳۴؛ مزمور ۷۳: ۲۳؛ امثال ۴: ۲۳)

از نظر فیزیکی ضربان قلب هر یک از ما با دیگری فرق می کند. درست همانطور که اثر انگشت ما، اثر چشم ما، اثر صدای ما با دیگران فرق می کند، ضربان قلب ما هم کمی متفاوت از دیگران عمل می کند. واقعا خلی تعجب آور است که از میلیاردها انسانی که بر روی زمین تابحال زندگی کرده اند، هیچکدام ضربان قلب شما را نداشته اند. به همین طریق، خدا به هر یک از ما **"ضربان قلب"** احساسی خاصی را داده، که وقتی در مورد موضوعات، فعالیتها یا رویدادهایی که برای ما مهم است، فکر می کنیم، شروع به زدن می کند. برای ما بطور غریزی، بعضی چیزها مهم است و بعضی چیزها، خیر. اینها نشانه ها و اثراتی هستند که نشان می دهند در چه قسمتی باید خدمت کنید.

کلمه دیگری که می توانیم برای قلب استفاده کنیم، **اشتیاق** است. موضوعات خاصی هست که شما نسبت به آنها اشتیاق شدید دارید، در حالیکه در مورد چیزهای دیگر شاید اشتیاق کمتری نشان می دهید. بعضی تجربیات شما را هیجان زده می کنند و توجه شما را به خود جلب می کنند در حالیکه بعضی دیگر برایتان جالب نیست و به اندازه ای خسته کننده است که اشک شما را در می آورد. اینها طبیعت قلب شما را نشان می دهند.

شاید وقتی در حال رشد بودید، این را کشف کرده اید که بعضی موضوعات شدیداً "برای شما جالب بود، در حالیکه اعضای دیگر خانواده توجه زیادی به آن نمی کردند. این کنجکاویها از کجا به سراغ شما آمد؟ آنها از خدا بودند. خدا با بخشیدن این علاقه های مادرزادی، هدفی را دنبال می کرد. ضربان قلب احساسی شما، دومین کلید درک شکل و فرم شما برای خدمتتان می باشد. هیچگاه از علائق خود چشم پوشی نکنید بلکه فکر کنید که چطور آنها می توانند برای جلال خدا بکار روند. دلیلی هست که شما دوست دارید این کارها را بکنید.

کتاب مقدس مکرراً می فرماید: **"خدا را با تمام دل و جان خدمت کنید."** (تثنیه ۱۰:۱۳؛ اول سموئیل ۱۲:۲۰؛ رومیان ۹:۱؛ افسسیان ۶:۶) خدا می خواهد که شما با شور و شوق و نه از روی وظیفه، خدمت کنید. کم اتفاق می افتد که مردم در کارهایی که از آنها لذت نمی برند و یا احساس تمایل ندارند، پیشرفتی داشته باشند. خدا از شما می خواهد از علائق طبیعی خود برای خدمت به دیگران استفاده کنید. گوش دادن به هیجان داخلی می تواند شما را به طرف خدمتی که خدا برای شما در نظر دارد، هدایت کند.

چطور می توانید بدانید که خدا را با تمام قلب خدمت می کنید؟ اولین نشانه گویای این مسئله **هیجان** است. وقتی کاری را که دوست دارید بکنید، انجام می دهید، نیازی به اینکه کسی به شما انگیزه بدهد یا به چالش بطلبد یا شما را چک بکند، نخواهد بود. شما آن را فقط برای لذت بردن انجام می دهید. شما به دنبال پاداش یا تشویق یا حقوق نیستید، بلکه آن را فقط به خاطر میل قلبی انجام می دهید. برعکس آن نیز حقیقت دارد: وقتی برای آنچه که انجام می دهید میل و اشتیاقی ندارید، براحتمی ناامید می شوید.

دومین خصوصیت خدمت خدا با تمام دل و جان، **مؤثر بودن** است. هر بار که کاری را انجام می دهید که خدا شما را بی تاب ساخته تا دوست داشته باشید بکنید، در آن کار مهارت پیدا می کنید. میل و اشتیاق ایجاد کننده کمال است. اگر برای کاری علاقه ندارید، بعید به نظر می آید که در آن پیشرفتی داشته باشید. در نقطه مقابل آن، آنانی که بالاترین موفقیتها را در زمینه های مختلف، بدست آورده اند، آنانی هستند که بخاطر شور و شوق، و نه از روی وظیفه یا به منظور سود و بهره جویی، کاری را کرده اند.

ما همگی شنیده ایم که مردم می گویند: "من شغلی را انتخاب کرده ام که از آن نفرت دارم تا پول زیادی بدست آورم و بالاخره کاری را بکنم که دوستش دارم." این اشتباه بزرگی است. زندگی خود را برای شغلی که بیان کننده اشتیاق قلبیتان نیست، تلف نکنید. به یاد داشته باشید که بزرگترین چیزها در زندگی در واقع **اجناس** نیستند. معنا و مفهوم، خیلی مهمتر از پول می باشد. ثروتمندترین مرد در دنیا گفته ای دارد که می گوید: **"دارایی کم همراه با خداترسی بهتر است از ثروت هنگفت با اضطراب."** (امثال ۱۵:۱۶)

فقط به منظور به دست آوردن **"یک زندگی خوب"** درجا نزنید، چون زندگی خوب به اندازه ای هم که فکر می کنید خوب نیست. نهایتاً این زندگی شما را راضی نگه نخواهد داشت. شما می توانید خیلی چیزها برای ادامه زندگی داشته باشید و هنوز چیزی برای زندگی کردن نداشته باشید. از امروز تصمیم بگیرید که بجای داشتن **"زندگی بهتر"** خدا را با آن چیزی که میل قلبیتان آن را بیان می کند، خدمت کنید. آنچه را که دوست دارید انجام دهید، کشف کنید، یعنی آنچه را خدا برای آن به شما میل و اشتیاق داده و بعد آن را برای جلال او بکنید.

**نکته مورد توجه:** من برای خدمت خدا ساخته شده ام.

**آیه حفظی:** **"عملها گوناگونند، اما همان خداست که همه را در همه به عمل می آورد."** (اول قرنتیان ۱۲:۶)

**سوالی که باید از خود بکنید:** به چه طریقی می توانم خود را در حال خدمت به دیگران با شور و اشتیاق در حالیکه آن را دوست دارم ببینم.